

عنوان مقاله:

تاثیر و تاثرات متون عرفانی پارسی در مواجهه با ادب عذری عرب

محل انتشار:

دوفصلنامه کهن نامه ادب پارسی، دوره 7، شماره 2 (سال: 1395)

تعداد صفحات اصل مقاله: 25

نویسندگان:

محمد امیر جلالی - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

داود اسپرهم - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه علامه طباطبائی

خلاصه مقاله:

مقاله حاضر به نحوه حضور سروده‌های شاعران ادب عذری در برجسته‌ترین متون عرفانی ایرانی تا پایان قرن هفتم هجری می‌پردازد. جدول‌های پایانی مقاله دربردارنده سروده‌هایی از شاعران عذری است که نگارندگان آنها را در متون عرفانی یافته و در بیشینه موارد برای نخستین‌بار نام سراینده‌گان آن‌ها را تعیین کرده، و گاهی نیز به تصحیح آنها پرداخته‌اند. نگارندگان برآنند که ایرانیان در حفظ، حیات و حرکت ادب عذری، سهمی بیش از خود اعراب داشته‌اند: اشعار پراکنده شعرای عذری در الاغانی ابوالفرج اصفهانی گردآوری و حفظ شد؛ موضوعات آن در الزهره ابن‌داوود اصفهانی، تئوریزه شد؛ اشعار آن به دست ابونصر سراج طوسی و مستملی بخاری به متون مدرسی صوفیه راه یافت؛ در صافی ذهن و ضمیر عرفای خراسان همچون ابوسعید و شبلی (که اصالتی خراسانی داشت) به لطیف‌ترین معانی عارفانه «تاویل» شد؛ روایات پراکنده آن به دست نظامی نظم یافت؛ به دست عرفایی همچون احمد غزالی، عطار و مولانا «تمثیل»‌های فراوانی از آن ساخته و شخصیت‌های آن به «نماد» تبدیل شد؛ و در نهایت، مضامین آن در غزل شعرای بزرگ همچون سعدی به زیباترین شکل کمال‌یافت. باری، لیلی در نهایت در ذهن عرفای ایران چنان جایگاهی یافت که نماد خداوند شد. سروده‌های شاعران ادب عذری در برجسته‌ترین متون عرفانی ایرانی تا پایان قرن هفتم هجری می‌پردازد. جدول‌های پایانی مقاله دربردارنده سروده‌هایی از شاعران عذری است که نگارندگان آنها را در متون عرفانی یافته و در بیشینه موارد برای نخستین‌بار نام سراینده‌گان آن‌ها را تعیین کرده، و گاهی نیز به تصحیح آنها پرداخته‌اند. نگارندگان برآنند که ایرانیان در حفظ، حیات و حرکت ادب عذری، سهمی بیش از خود اعراب داشته‌اند: اشعار پراکنده شعرای عذری در الاغانی ابوالفرج اصفهانی گردآوری و حفظ شد؛ موضوعات آن در الزهره ابن‌داوود اصفهانی، تئوریزه شد؛ اشعار آن به دست ابونصر سراج طوسی و مستملی بخاری به متون مدرسی صوفیه راه یافت؛ در صافی ذهن و ضمیر عرفای خراسان همچون ابوسعید و شبلی (که اصالتی خراسانی داشت) به لطیف‌ترین معانی عارفانه «تاویل» شد؛ روایات پراکنده آن به دست نظامی نظم یافت؛ به دست عرفایی همچون احمد غزالی، عطار و مولانا «تمثیل»‌های فراوانی از آن ساخته و شخصیت‌های آن به «نماد» تبدیل شد؛ و در نهایت، مضامین آن در غزل شعرای بزرگ همچون سعدی به زیباترین شکل کمال‌یافت. باری، لیلی در نهایت در ذهن عرفای ایران چنان جایگاهی یافت که نماد خداوند شد.

کلمات کلیدی:

حب عذری، تاویل، تصرفات هنری، عرفان ایرانی، لیلی و مجنون

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1386402>

